

(عالم اسلام)

شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع:

حق قربانی (۳)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۰۸ / ۲۴

■ اهمیت اخلاص در قربانی

■ عقیقه، سنتی مستحب و پسندیده

■ خداوند دین را آسان قرار داده است

■ درمان تکلف

حج دارد، همزاد حج بوده؛ یعنی وقتی تاریخ حج را مطالعه می‌کنیم و به گذشته برمی‌گردیم، می‌بینیم که قربانی در کنار مناسک اصلی حج وجود داشته است.

از آنجا که در جریان قربانی و پیشکش، مثل سایر مناسک پیرایه‌های زیادی بسته شده و یک نوع مسابقه تجمل و قدرت‌طلبی و خودنمایی در آن برقرار شده بود، امام (علیه السلام) ضمن اینکه اصل قربانی را به عنوان یک حق مستقل بیان می‌دارند، موضوع اخلاص را به عنوان مسئله اصلی و رکن آن مطرح می‌کنند؛ به این صورت که شخص باید قصد قربت داشته باشد و اخلاصش را حفظ کند. قصدش این باشد که رضای الهی را متوجه خودش کند و به این ترتیب خودش را در

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

اهمیت اخلاص در قربانی

در بحث قربانی معلوم شد که برجستگی ویژه‌ای در برنامه حج دارد و به نوعی به منزله مهر قبول و جمع‌بندی و پذیرش از سوی پروردگار متعال محسوب می‌شود؛ بنابراین اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. قرآن کریم در ضمن آیات حج به تفصیل مسئله قربانی را با عنوان «الْهَدْيُ» مطرح کرده و آن، در واقع هدیه‌ای است که از سوی بنده به محضر پروردگار متعال پیشکش و تقدیم می‌شود. قرآن هم به احکام قربانی پرداخته و هم به اصل موضوع، اساس و آثارش. قربانی با اهمیت فوق‌العاده‌ای که در برنامه

اینکه خودت را به مشقت و دردهای اضافه بیندازی، نمی‌شوی.

اینجا امام (علیه السلام) به مناسبت بحث، طی چند فراز که در ضمن حقوق دیگر بی‌سابقه هست، وارد یک تحلیل بسیار دقیقی می‌شوند و با توجه خاصی ذهنیت جامعه، مخاطبان و مؤمنان را متوجه آفتی می‌کنند که می‌تواند در کنار برنامه‌های عبادی و در کنار کل برنامه‌های زندگی و سبک زندگی خود را نشان دهد و آن، مسئله تکلف و تصنع است که امام (علیه السلام) با عبارت «وَأَعْلَمُ» وارد بررسی این موضوع می‌شوند.

یک نکته اینکه مصداق قربانی امروز چیست؟ قربانی خوب، بخشی از حج و مناسک حج است

معرض بارش رحمت الهی و قبول حضرت حق قرار دهد: «فَأَنْ تُخْلِصَ بِهَا الْإِرَادَةَ إِلَى رَبِّكَ وَالتَّعَرُّضَ لِرَحْمَتِهِ وَ قَبُولَهُ». بعد حضرت فرمودند: «وَلَا تُرِيدَ عَيْونَ النَّاطِرِينَ دُونَهُ» نکند بخواهی و چنین قصدی داشته باشی که چشم دیگران را متوجه خودت بکنی و نگاه آنها را بخری. که اگر انسان موفق به اخلاص شود و قصدش برای خدای متعال خالص باشد، از طرفی به وظیفه‌اش عمل کرده و هم به حضرت ابراهیم (علی نبینا و آله علیه السلام) اقتدا کرده است. حضرت فرمودند: اگر این‌طور شد و واقعاً قصدت خدا باشد: «فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ لَمْ تَكُنْ مُتَكَلِّفًا وَلَا مُتَصَنَعًا» تو گرفتار مصیبت تصنع و تکلف و رفتارهای ظاهری و ظاهرگرایی و خودنمایی و

ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَسَبْعَةَ إِذَا رَجَعْتُمْ
تِلْكَ عَشْرَةَ كَامِلَةً؛ سه روز
روزه [بدارد]». اینجا جایگزین
معرفی می‌شود تا حاجی
به تکلف و مشقت نیفتد.
کلمه «اَسْتَيْسَرَ» نکته‌ای است
که امام (علیه السلام) از آن
استفاده می‌کنند و به مسئله
یسر و آسانی در دین، به
عنوان یک اصل و قاعده
عمومی می‌پردازند.

عقیقه، سنتی مستحب و پسندیده

نکته بعدی راجع به قربانی
مستحب است. تا اینجا
بحث درباره قربانی واجب
و در حج و با کیفیت خاص
خودش بود. اما در بخش
دیگر، قربانی مستحب است،
با این فلسفه که شخص
اطعام کند و نیازمندان، ایتام،
مساکین و کسانی را که دچار
مشکلات اقتصادی هستند، از

که تکلیف خاص خودش را
دارد. حاجی در منا با کیفیت
خاص قربانی خود را تقدیم
می‌کند. البته آن چیزی
که خداوند تبارک و تعالی
از ما می‌خواهد، عبارت
است از: اینکه نمی‌خواهد
ما به درد سر بیفتیم: «فَمَنْ
تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا
اَسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ؛ [۱] پس
هر کس از [اعمال] عمره به
حج پرداخت [باید] آنچه از
قربانی میسر است [قربانی
کند]». جالب است که
اینجا هم فرمودند: «فَمَنْ لَمْ
يَجِدْ؛ و آن کس که [قربانی]
نیافت». اگر چیزی پیدا نکرد
و برای کسی امکانش فراهم
نشد که مثلاً گوسفندی
تقدیم کند، چه برسد که
بخواهد گاو یا شتر قربانی
کند، به جایش سه روز در
حج روزه می‌گیرد و هفت
روز وقتی برگشت: «فَصِيَامُ

برکات قربانی بهره‌مند کند؛ بدون مبتلا شدن به حواشی. قربانی مستحب را در هر زمانی می‌توان انجام داد و ناظر به ایام خاصی نیست؛ اگرچه مؤمنان در ایام حج به این سنت اسلامی بیشتر عمل می‌کنند.

در اینجا هر چیزی که ممکن باشد، از مرغ و خروس و... می‌توان قربانی کرد و از این جهت هیچ محدودیتی ندارد. برکت فوق‌العاده‌ای دارد و جلوی خیلی از شرور و آفات را می‌گیرد؛ مخصوصاً در ارتباط با نگاه‌های خطرناک و چشم زخم.

در تولد فرزند عنوان قربانی می‌شود عقیقه که بسیار کار خوب و فوق‌العاده مؤثر برای سلامت فرزند است و او را در طول زندگی‌اش در برابر خیلی از خطرهای

محافظت می‌کند. باب عقیقه باز است و منحصر به ایام تولد نیست؛ البته اصلش زمان ولادت فرزند است که پدرش باید برایش آن را انجام دهد؛ اما اگر آن وقت ممکن نشد، هر زمانی که امکان دارد، می‌توان انجام داد؛ حتی خود شخص هم می‌تواند برای خودش عقیقه کند. دعاها و آدابی دارد و مناسب است که گوشت این قربانی را به اهلش برسانند تا ان‌شاءالله اسباب برکات زیادی در زندگی شخص شود. البته آنچه جزء اجل و قضای حتمی است که برای شخص نوشته شده است، کار خودش را می‌کند؛ لذا ممکن است کسی عقیقه کند، اما فرزندش از دنیا برود؛ منتها از رهگذر عقیقه‌ای که کرد، هم به سنت اسلامی و نبوی عمل

ذبح کن [و به این ترتیب طمع را از خود دور گردان]». وقتی که به قربانگاه رفتی و قربانیات را ذبح می‌کردی، آیا نیت کردی که حنجره طمع را ذبح کنی؟ گلوی طمع و حرص را با تکیه بر حقیقت ورع و تقوا ببری؟ آیا به سنت حضرت ابراهیم اقتدا کردی که فرزندش و میوه دلش را به قربانگاه برد و از آن امتحان بزرگ به سلامت بیرون آمد؟

حضرت بحث قربانی را در حج به نقطه اصلی خودش می‌برند که رهایی از طمع و حرص است. امام (علیه السلام) در متن حق قربانی، مسئله تکلف و تصنع را مطرح می‌کنند که معلوم می‌شود در زمان خودش مبتلابه خاصی بوده و بر سر آن مسابقه می‌دادند؛ مثلاً می‌گفتند من این قدر کشتم،

کرده و از برکات معنوی و آثار نورانی‌اش بهره‌مند است، و هم بهره‌منده از آن فرزندازدست‌رفته که برای او پیش خداوند متعال ذخیره‌ای محسوب می‌شود.

فلسفه قربانی این است که از آنچه دوست داریم، بگذریم و اقتدا به این آیه است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ [۲] هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید». انسان از چیزهایی که دوست دارد، بگذرد و ایشار کند. چه بسا تحت انفاق و صدقات بررسی می‌شود که مفصل قبلاً درباره‌اش صحبت کردیم. امام سجاد (علیه السلام) به شبلی فرمودند: وقتی که به قربانگاه رفتی: «إِذْبَحْ حَنْجِرَةَ الْهَوَى وَالطَّمَعِ عِنْدَ الذَّبِيحَةِ»؛ [۳] با قربانی کردن، حلقوم هوا و طمع را

دیگری می‌گفته من بیشتر می‌کشم. یکی می‌گفته من شتر می‌کشم، دیگری می‌گفت من گاو قربانی می‌کنم. در متن زندگی اجتماعی آن زمان قربانی به فرصتی برای قدرت‌نمایی و ثروت‌نمایی و خودنمایی و جلوه‌گری‌های اجتماعی تبدیل شده بود.

حضرت با لطافت مسئله را برگرداند به اینکه اگر بخواهید در حج ابراهیمی عمل کنید و حق قربانی ادا شود، حق قربانی ای است که اخلاص داشته باشید و اگر شما اخلاص داشته باشید گرفتار تکلف و تصنع نمی‌شوید.

خداوند دین را آسان قرار داده است

و نسخه‌ای برای زندگی امروز ما مطرح کردند. حضرت فرمودند: «وَاعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ يُرَادُّ بِالْيَسِيرِ وَلَا يُرَادُّ بِالْعَسِيرِ» بدان که می‌شود به آسانی به خداوند تبارک و تعالی دست یابی. این جور نیست که برای رسیدن به خدای متعال و تقرب به حضرت حق، انسان بخواهد خودش را به دردسر و گرفتاری و مشقت بیندازد. خداوند تبارک و تعالی برای بندگانش آسانی را خواسته است: «كَمَا أَرَادَ بِخَلْقِهِ التَّيْسِيرَ وَ لَمْ يُرِدْ بِهِمُ التَّعْسِيرَ». پس می‌شود به آسانی به رضای الهی دست یافت. ضمن اینکه خداوند تبارک و تعالی برای بندگانش آسانی را خواسته و نخواست به آنها را به دردسر و گرفتاری و فلاکت و مشکل بیندازد.

این یک یادآوری است؛

بلافاصله در اینجا امام (علیه السلام) مسئله را تعمیم دادند

و خوشبختی، توان، تحمل، ظرفیت و کشش انسان به صورت عمومی در نظر گرفته شده است. برنامه‌ای کامل ارائه شده که در این برنامه، وسع، تحمل و توان انسان کاملاً در نظر گرفته شده است. مثال صریحش اینکه تغذیه مناسب با زیست دینی و اسلامی، یعنی رعایت حلال و حرام و اندازه خوردن و رعایت طیب یعنی پاکیزه بودن، توشه و توانی را در شخص ایجاد و بنیه‌ای را درست می‌کند که با آن، روزه گرفتن برایش آسان می‌شود. یا مثلاً از عهده نماز و حتی نوافلش به آسانی برمی‌آید. ولی وقتی اینها رعایت نمی‌شود، مثلاً تغذیه دچار آسیب می‌شود، شخص کم‌بنیه و ضعیف می‌شود و این ضعیف بنیه، در انجام وظیفه‌ای که به توش و

یعنی کسانی که گرفتار مصیبت تکلف و تصنع می‌شوند، بدانند چیزی که خداوند تبارک و تعالی مطرح کرده - چه به عنوان واجب و چه به عنوان مستحب - کاملاً با خلقت، طبیعت و فطرت انسان هماهنگ است؛ چون کسی که این آداب و آیین و واجبات و مستحبات و محرمات و مکروهات را قرار داده، همان کسی است که انسان، جهان، دنیا و آخرت را آفریده و مقاصد انسان را برای او تعریف کرده است. اینجا امام (علیه السلام) به ما یادآوری می‌کنند که در اراده خدای متعال، دست‌انداختن و گرفتار و بدبخت کردن انسان وجود ندارد. چیزی که در اراده الهی است، عبارت است از اینکه انسان به سعادت و خوشبختی برسد و در این تأمین سعادت

توان نیاز دارد، خود را نشان می‌دهد. آنجا شخص احساس می‌کند که روزه یا سایر فرائض برایش سخت است. البته عسر از طبع دین برداشته شده؛ چنان‌که مثلاً اگر روزه برای شخص ضرر داشته باشد، اصلاً برایش حرام است که روزه بگیرد. یا اگر در انجام نماز به دلیل بیماری یا ضعف دچار مشکلات خاصی می‌شود به طوری که امکان نداشته باشد نماز را به کیفیت معرفی شده برگزار کند، می‌تواند نماز را نشسته بخواند. پس کاملاً با توانایی ما هماهنگ است. در مورد قربانی نیز می‌فرماید:

«فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» [۴]

آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند] و آن کس

که [قربانی] نیافت [باید] در هنگام حج سه روز روزه [بدارد] و چون برگشتید هفت [روز دیگر روزه بدارید] این ده [روز] تمام است». پس نظم دینی که به صورت پهنه گسترده‌ای از آداب و آیین و احکام و واجبات و محرمات و مستحبات است، دارای بخش فراری است که به عنوان مباح معرفی شده و شخص در آن آزاد گذاشته شده است. اینها همه در کنار هم قرار می‌گیرد و حیات طیبه و زندگی سعادت‌مند و سعادت‌آفرین را برای شخص و جامعه تأمین می‌کند. این قاعده‌ای کلی است.

حضرت (علیه السلام) فرمودند کسانی که خود را به تکلف و تصنع می‌اندازند، خود را در مسابقات دنیوی و تشریفات در دسرهای

خود به وجود بیاوریم. اما تکلیف فراتر از بحث‌های احکامی و فقهی و حتی شامل حوزه‌های اخلاقی و شخصیتی هم می‌شود. البته به صورت طبیعی در کنار وظیفه‌ها، دشواری‌هایی هم هست که این دشواری‌ها، خردمندانه است. اگر بخواهیم به شکل عادی مثال بزنیم، کسی که می‌خواهد قلعه‌ای را فتح کند، یا به یک رتبه علمی یا معنوی دست یابد، سنت الهی بر این قرار گرفته که برای رسیدن به آن، باید دشواری‌هایی را هم تحمل کند و بر خودش سختی‌ها را هموار سازد؛ چه اینکه گفته‌اند: «مرد راه نیندیشد از نشیب و فراز». چنین دشواری‌هایی در جامعه عقلای عالم پذیرفته شده است و هیچکس آن را چیز بدی نمی‌داند؛ بلکه

خودساخته‌ای قرار می‌دهند که به دین و خواست خدای متعال ربطی ندارد و آرایه‌ها و پیرایه‌هایی است که بر آیین‌های دینی بسته شده است. البته ممکن است این تکلف‌ها به متن زندگی هم بسته شده باشد و حتی بخش‌هایی که به صورت فراخ در اختیار خود شخص هم هست، مبتلا به این معضل باشد.

درمان تکلف

ما یک تکلیف داریم و یک تکلف که این دو تا با هم فرق می‌کند. تکلیف مربوط می‌شود به جایی که خدای متعال برای ما وظیفه‌ای معین کرده که این وظیفه ممکن است عملی، رفتاری و اخلاقی باشد. مشخص می‌کند کاری را باید انجام بدهیم یا ویژگی خاصی را در

آن را هزینه رشد و کمال و سعادت می‌دانند. به همین علت در این موارد گفته می‌شود تکلیف؛ چون در متنش دشواری و سختی وجود دارد که خردمندان است و به نگاه دینی به زندگی هم منحصر نیست و کسانی که نگاه عادی معمولی به زندگی دارند نیز این مسئله را می‌پذیرند. آنجایی سختی و مشقتی را خردمندان تحمل می‌کنیم تا به یک هدف والاتر و بالاتری دست پیدا کنیم، به متن وظایف دینی و عقلایی‌مان عمل می‌کنیم و به زیست مؤمنانه و خردمندان نزدیک می‌شویم. اینها هم هزینه‌هایی دارد که هزینه‌هایش را پرداخت می‌کنیم. اما آنجایی که شخص یا جامعه - چون بحث ما هم فردی است و

هم اجتماعی - از دشواری‌های خردمندان با بی‌تدبیری و سوء تدبیر و انتخاب‌های غلط، خود را به مشقت‌های دیگری مبتلا می‌کند، این مشقت‌ها تجویز عقلی و شرعی ندارد و خدای متعال، مؤمنین و خردمندان عالم هم آن را نمی‌پذیرند. این کلفت یا تکلف است. مثال مبتلا به آن ازدواج است که یک امر طبیعی، فطری، طبیعی و غریزی است. خدای متعال هم آن را پسندیده و تجویز و تأکید کرده است. یعنی همان چیزی که طبیعت و غریزه انسان است، در آیین الهی اسلام به سنت خدایی و خداپسند تبدیل شده و برایش قواعد و مقرراتی وضع شده است. هنگامی که به طبع تکلیف الهی و این سنت الهی و اسلامی مراجعه می‌کنیم،

منابع و ماخذ

- می‌بینیم بسیار روان است. از ابتدایش تا بخش پایانی‌اش را خدای متعال پسندیده و وقت و شرایطش را روان و سهل قرار داده است. ازدواج از خواستگاری و شروعش تا تعیین مهریه و ولیمه و نقطه پایانی‌اش، گرفتار پیرایه‌هایی است که هیچ‌کدام به متن دین و سنت الهی ربطی ندارد. اینها چیزهایی است که ما به ازدواج اضافه کرده‌ایم و غیرمنطقی و غیردینی و غیرعقلانی است. این ویژگی کلفت یا تکلف است.
- [۱]. بقره: ۱۹۶.
- [۲]. آل عمران: ۹۲.
- [۳]. مصباح الشریعه، ترجمه عبد الرزاق گیلانی، ص ۱۶۹.
- [۴]. بقره: ۱۹۶.







افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت
OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

اشنبه‌ها ساعت ۱۸

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

